بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر انسجام ملی در گفت‌وگو با بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس

جامعه بی‌میانجی بی‌دفاع است

رد پای جریان نفوذ را در برچسب‌زنی‌ها علیه مسئولان و دلسوزان آشکارا می‌بینم


عکس: سجاد صفری/ ایران

گفت‌وگو

مهراوه خوارزمی
گروه سیاسی

«طرح‌هایی که از سوی نمایندگان مجلس تدوین می‌شوند تا چه حد از پشتوانه فکری و کارشناسی که در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی وجود دارد بهره می‌گیرند و پژوهش‌ها و پیمایش‌های این مرکز درباره عوامل مؤثر بر انسجام ملی و سرمایه اجتماعی چه جایگاهی در تصمیم‌گیری‌های نهاد قانون گذاری کشور دارد.» اینها پرسش‌هایی بود که «ایران» بنا داشت در گفت‌وگو با بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیگیری کند. نهاد تحت ریاست او از جمله نهادهای مهمی است که با انجام مطالعات، افکارسنجی‌ها و ارزیابی‌ها می‌تواند و باید به عنوان پشتوانه فکری و کارشناسی تصمیم‌گیرندگان به‌ویژه نمایندگان مجلس عمل کند. با این حال به باور نگاهداری، اینکه نمایندگان مجلس تا چه حد در تدوین طرح‌های پیشنهادی و بررسی لوایح از مشورت‌ها و توصیه‌های این نهاد کارشناسی بهره می‌گیرند، امر مطلقی نیست. او اما از جایگاه سیاست‌ورزی است که در عمر ۴ ساله ریاستش بر مرکز به استناد یادداشت‌ها و مقالاتش تلاش داشته این نهاد را از جهت‌گیری‌های جناحی مصون نگاه دارد و علقه ویژه‌ای نسبت به ضرورت تقویت انسجام ملی و حفظ سرمایه اجتماعی از مسیر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های حاکمیت دارد. نگاهداری در گفت‌وگو با «ایران» بر یک مؤلفه مهم در این باره تأکید دارد، وجود افراد و گروه‌های میانجی میان مردم و حاکمیت که به اعتقاد او بی‌وجود آنها جامعه و حاکمیت صدای یکدیگر را به بدترین و خشن‌ترین وجه خواهند شنید. به گفته نگاهداری، جامعه در فقدان میانجی‌ها، جامعه بی‌دفاعی است.

بیش از یک سال است که ایران با یک جنگ تمام عیار نظامی و اقتصادی مواجه است و به باور اکثریت صاحب نظران در این جنگ تقویت انسجام ملی و حفظ سرمایه اجتماعی پا به پای توانمندی نظامی کشور حائز اهمیت است. در چنین شرایطی در پژوهش‌ها و پیمایش‌های انجام شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی چه عواملی به عنوان مهم‌ترین موارد تضعیف کننده و تقویت کننده سرمایه اجتماعی و انسجام ملی احصا شده‌اند؟

ما در مرکز پژوهش‌های مجلس چند سالی است که وضعیت سرمایه اجتماعی را به طرق مختلف افکارسنجی و شیوه‌های محاسباتی در فضای مجازی سنجش و ارزیابی می‌کنیم و نتایج آن را با توالی‌های ۶ ماهه در اختیار مسئولین کشور و تصمیم‌گیران قرار می‌دهیم تا مسئولان با اشراف کامل نسبت به سطح سرمایه اجتماعی برای حل مسائل تصمیم‌گیری و تدبیر کنند. واقعیت این است که سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی متغیرهایی بسیار مهم و تأثیرگذار در پیشبرد تصمیمات هر نظام حکمرانی‌اند. به همین دلیل حکومت‌هایی که از پشتوانه مردمی قابل توجه‌تری برخوردار باشند و در سنجش‌ها وضعیت سرمایه اجتماعی و اعتماد بین مردم و حاکمیت و حتی سطح اعتماد فی ما بین مردم در وضعیت بهتری باشند، موفق‌تر عمل می‌کنند. رهبر انقلاب هم در پیام‌هایی که اخیراً صادر کردند، روی بحث انسجام ملی تأکید ویژه‌ای داشتند و تأکید فرمودند که به هیچ بهانه و علتی نباید اقدامات و اظهار نظرهایی در کشور صورت بگیرد که این انسجام ملی و سرمایه اجتماعی از بین برود. حال اینکه چه عواملی می‌تواند تقویت کننده یا تضعیف کننده انسجام ملی و سرمایه اجتماعی باشند قابل بحث است. به نظر می‌رسد اینکه نقش مردم در اداره امور کشور پررنگ‌تر باشد از عوامل مهم مقوم سرمایه اجتماعی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول متعددی به مشارکت مردم اختصاص دارد و آن را در چهار سطح مشخص می‌کند؛ «مشارکت در تصمیم‌گیری»، «مشارکت در مطالبه‌گری»، در «نظارت» و در «اجرا». به نظر می‌رسد، ما آنچنان که باید و شاید هنوز نتوانسته‌ایم این ظرفیت‌های بسیار مترقی قانون اساسی در ارتباط با مشارکت مردم را بالفعل و اجرایی کنیم. مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها بیشتر محدود شده به ایام انتخابات. برای ارتقای اعتماد و سرمایه اجتماعی تا جایی که می‌توانیم باید ظرفیت‌های مشارکت مردم در قانون اساسی را احیا کنیم.

چه مسائلی می‌توانند مانع از تقویت انسجام ملی و تضعیف سرمایه اجتماعی شوند؟

انسجام ملی نباید فقط در سطح شعار سیاسی باقی بماند. بلکه باید به ساز و کارها و برنامه‌هایی برای مشارکت دائمی مردم در اداره امور کشور تبدیل شود. اگر در سطح شعار سیاسی باقی بماند احتمالاً در تحقق ظرفیت‌های مختلف نتوانیم آنچنان که باید و شاید موفق عمل کنیم. به نظر می‌رسد ما بحث انسجام ملی را واقعاً آنچنان که باید درحد یک امر ملی ببینیم و آن را در سطح جناحی، سیاسی و باندبازی نبینیم، درک نکرده‌ایم. حال آنکه باید به جای پیش بردن یک امر ملی با هیاهوی سیاسی و جناحی به سمت صف واحد ملت حرکت کنیم. این مفهوم واقعی انسجام است. اما اگر ما این امر را سیاست‌زده و آلوده به جناح بازی و باندگرایی کنیم، واقعیت این است که دست‌کم شرایط کشور ما چنین رویه‌ای را برنمی‌تابد. برای همه ما باید ایران موضوع مشترک باشد؛ حالا به تعبیر قائم مقام فراهانی چه با نام، چه با ننگ. باید تمرکز مشترک همه ملت ایران حفظ ایران، تلاش برای جلوگیری از تجزیه ایران و پیشبرد آرمان‌ها و رویای مشترک اعتلای ایران باشد. رهبر انقلاب هم در پیام‌هایشان روی این نکته تأکید کرده‌اند. بعد سال‌ها وقتی ما به تاریخ پیوستیم، دیگر نه نام من هست نه نام شما؛ ولی آثار تلاش‌ها و اقدامات ما در سرنوشت آینده ایران و فرزندان این سرزمین حتماً به جا خواهد ماند. به نظرم زیبنده جمهوری اسلامی ایران نیست که عده قلیلی در کشور سعی کنند با انواع برچسب‌زنی‌ها، مسئولان و افرادی را آماج انواع اتهام‌ها و توهین‌ها قرار دهند چرا که آنها سرمایه اجتماعی هستند و می‌توانند نقطه وصل جریان‌های مختلف باشند و نقش میاندار را بازی کنند و به خواست وحدت و انسجام ملی جامه عمل بپوشانند. اینکه یک جریان قلیل ولی پرسر و صدا شروع کنند به رفتار غیرمنصفانه و غیر اخلاقی برچسب‌زنی، به یکی بگویند خائن و به دیگری بگویند جاسوس و وطن‌فروش و در آن سو هم جریان‌های مخالف شروع کنند به گفتن اینکه این حکومتی است و... با این برچسب‌زنی‌ها نمی‌توانیم به اتحاد ملی برسیم. ما نباید اجازه بدهیم این صداهای اقلیتی با استفاده از «اقتصاد توجه» سرنوشت یک سرزمین و یک ملت را به بازیچه بگیرند. «اقتصاد توجه» یعنی هر کس در فضای مجازی و رسانه‌ها حرف‌های تند و تیزتری بزند بیشتر دیده شود. وقتی به فردی که دارای سرمایه اجتماعی است برچسب نامناسب و غیرمنصفانه‌ای زده می‌شود، عملاً اثر آن شخصیت در وصل کردن گروه‌ها و جریان‌ها به یکدیگر از دست می‌رود و او دیگر نمی‌تواند آن نقش ایجاد انسجام و تقویت سرمایه اجتماعی را ایفا کند. اتفاقاً اکثر این برچسب‌ها هم به افرادی زده می‌شود که یک سرمایه اجتماعی و مقبولیتی در بین گروه‌های مختلف دارند. واقعیت این است که من همه این برچسب‌زنی‌ها را از روی غفلت نمی‌دانم. من جریان نفوذ را در این برچسب‌زنی‌ها کاملاً آشکارا می‌بینم. اصلاً برچسب‌زنی، تهمت، افترا و ناسزا یک خط تولید پیدا کرده و تبدیل به یک صنعت شده است. کارگران شیفت شبی دارد که در انواع کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی به اشکال مختلف افرادی را تحت توهین و افترا قرار می‌دهند و فضا را آلوده می‌کنند؛ حال آنکه این افراد مورد تهمت و توهین می‌توانند به انسجام ملی کمک کنند و نقش‌آفرین ملی باشند.

بله شاهد آن هستیم که علی‌رغم همه تأکیدی که از سوی عالی‌ترین مقام کشور در مورد ضرورت انسجام می‌شود، این مسأله توسط گروه‌هایی که اشاره داشتید کاملاً نادیده گرفته می‌شود و برعکس این گروه روی مسائلی که موضوع و مسبب شکاف اجتماعی است انگشت می‌گذارند و شکاف‌ها را پررنگ می‌کنند. آیا فقط آن «اقتصاد توجه» عامل اصلی است؟ چه عوامل دیگری مؤثر هستند؟ چرا برهم زنندگان انسجام قدرت می‌گیرند و برعکس به نظر می‌رسد صدای جریان بسیار گسترده‌تری که انسجام ملی را راه حل مهم مسائل پیش روی کشور می‌دانند، کمتر شنیده می‌شود؟

بخشی از این افراد واقعاً دلسوزند؛ حالا شاید تشخیص راهبردی درستی ندارند. ولی فکر می‌کنند اقداماتشان براساس دلسوزی‌شان انجام می‌شود. مطمئناً ما به بخشی از افرادی که این کارها را انجام می‌دهند همین نگاه را داریم. ولی من فهمم این است که همه این جریانات و رفتارها را نمی‌شود صرفاً از سر دلسوزی دانست. بخشی هم می‌تواند حاصل جریان نفوذ باشد. بالاخره ما الان تحت جنگ شناختی و جنگ ترکیبی هستیم. چندی پیش دیدید که جی دی ونس، معاون اول ترامپ به صورت علنی اعلام کرد که رژیم صهیونیستی کارزاری در آمریکا راه‌اندازی کرده و منابع مالی خرج می‌کند برای اینکه جنگ با ایران را بیشتر توسعه بدهد و آن گروه‌هایی از آمریکایی‌ها را که به دنبال توافق و مذاکره هستند در اقلیت قرار دهند. ونس علناً اقرار کرد که در آمریکا رژیم صهیونی با خرج منابع مالی چنین کارزاری را راه‌اندازی کرده است. من بعید می‌دانم رژیم صهیونیستی که در آمریکا این کار را انجام می‌دهد به فکر راه‌اندازی کارزار در داخل ایران با استفاده از عوامل نفوذی خودش نباشد. مطمئناً در ایران هم برای این صنعت ناسزا و توهین خرج می‌کنند. بنابراین مطمئناً بخشی از این کار، کار جریان نفوذ است که بالاخره باید نهادهای اجتماعی، اطلاعاتی و امنیتی ما هوشیار باشند و این موارد را شناسایی کنند و جلوی افرادی را که با انواع توهین‌ها و افتراها فضای عمومی جامعه را برهم می‌زنند بگیرند تا بتوانیم ان‌شاءالله در شرایط خطیری که به انسجام ملی نیاز داریم این امر را تقویت کنیم.

باوجود پژوهش‌ها و پیمایش‌هایی که از سوی نهادهای کارشناسی از جمله مرکز پژوهش‌های مجلس بویژه در مورد جامعه‌پذیری قوانین و مقررات انجام و منتشر می‌شود؛ هرازگاه شاهد مطرح شدن طرح‌هایی از سوی برخی کمیسیون‌های مجلس هستیم که خود تبدیل به ابزار تشدید شکاف‌ها و دوقطبی‌ها در جامعه می‌شود و این سؤال را ایجاد می‌کند که نسبت میان طرح‌ها با پژوهش‌های کارشناسی چیست و چرا طرحی مانند طرح مقابله با نفوذ مطرح می‌شود چرا نتیجه کارهای پژوهشی و کارشناسی شما در طرح‌هایی که ارائه می‌شود بازتاب پیدا نمی‌کند؟

حدوداً دو یا سه سال پیش از این، ما در مرکز پژوهش‌ها ارزیابی انجام دادیم برای اینکه ببینیم میزان انطباق تصمیمات مجلس و نمایندگان مجلس با جهت‌گیری‌های توصیه شده از سوی مرکز پژوهش‌ها در ارتباط با موضوعات مختلف به چه میزان است. بر اساس گزارش تهیه شده، میزان همبستگی که میان گزارش‌های مرکز و تصمیم‌های اتخاذ شده سنجیده شد تقریباً بین منهای یک تا بعلاوه یک روی مثبت ۲۵ صدم ایستاد. یعنی حدوداً ۶۰ درصد تصمیمات مجلس در راستای جهت‌گیری‌هایی است که مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد می‌دهد و ۴۰ درصد هم با آن جهت‌گیری‌ها همسو نیست. البته من این امر را کاملاً طبیعی می‌دانم. بالاخره وظیفه ما مشورت دادن است، اما حق تصمیم‌گیری از آن نمایندگان مجلس است و ما و بدنه کارشناسی‌مان انتظار نداریم که مجلس همانی را تصویب کند که مرکز پژوهش‌ها پیشنهاد می‌دهد. ما مشورت می‌دهیم، آنها ملاحظات ما را می‌شنوند و در نهایت بر اساس تشخیص خودشان رأی می‌دهند. حالا مثلاً در مورد طرح نفوذ که اشاره کردید بالاخره یک دغدغه‌ای از سوی نهادهای امنیتی و نظامی وجود دارد. بویژه با توجه به رویدادهایی که در یک سال گذشته اتفاق افتاد؛ تقریباً اکثر صاحب‌نظران موضوع نفوذ را جدی می‌دانند. یعنی فهم‌شان این است که وقتی با این حد از اشراف اطلاعاتی رهبر، فرماندهان و دانشمندان ما را در خانه و محل کارشان مورد اصابت قرار می‌دهند قطعاً یک جریان نفوذ مؤثر و قابل توجهی در کشور رخ داده است و باید این دغدغه را برای آینده تدبیر کنند و سعی کنند مجاری این نفوذ را ببندند. بالاخره واقعیت نفوذ آسیب بزرگ جامعه امروز ماست و در یک سال گذشته هم بخاطرش هزینه دادیم. در ازای این دغدغه یک نگرانی هم در جامعه بویژه جامعه دانشگاهی و فرهنگی ما وجود دارد که بالاخره اگر سخت‌گیری از یک حدی بالاتر برود و افراطی شود این می‌تواند فعالیت‌های علمی و پژوهشی و ارتباطات این عزیزان را تحت‌الشعاع قرار بدهد. ریاست محترم مجلس هم در نطق خودشان روی این نکته تأکید داشتند که طرح نفوذ باید با رعایت و حفظ نقاط تعادل تدوین شود که به زندگی و روند فعالیت‌های عادی مردم لطمه وارد نشود و در عین حال بتوانیم اهداف مقابله با نفوذ را دنبال کنیم. مجلس هم دارد همین رویکرد را پیگیری می‌کند و به همین دلیل موادی از طرح که اشکال یا ابهامی دارد به کمیسیون ارجاع می‌شود. بنابراین ان‌شاءالله بر اساس عقلانیت جمعی و برآیند تصمیم نمایندگان در انتها خروجی کار به مصلحت کشور خواهد بود تا بتوانیم در عین حال که جلوی نفوذ را می‌گیریم به پیشرفت علمی، هنری و اقتصادی و آنچه به زندگی عادی مردم مربوط است لطمه زیادی وارد نکنیم.

یکی از الزامات مهم در شرایط حال حاضر کشور، جلوگیری از تبدیل شدن نارضایتی‌های اجتماعی به خشم عمومی و ایجاد زمینه برای بروز اعتراض و تنش اجتماعی است. از جمله این الزامات، اجتناب از قانونگذاری‌ها یا اتخاذ تصمیماتی است که با حوزه‌های مورد حساسیت مردم تعارض دارد. از جمله این مسائل، یکی موضوع سبک زندگی و پوشش است و دیگری میزان آزادی در دسترسی افراد جامعه به فضای مجازی. با وجود این شاهد آن هستیم که برخی با استدلال‌هایی مانند اینکه دلیل وقوع اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دی، رفع فیلتر این یا آن پیام‌رسان یا شبکه اجتماعی بوده، در شرایط حال حاضر خواستار تشدید فیلترینگ و محدود شدن دسترسی‌ها هستند. در این حوزه مرکز پژوهش‌های مجلس تاکنون چه پیمایش‌هایی داشته و به چه نتایجی دست پیدا کرده و چه دیدگاهی را در اختیار تصمیم‌گیران قرار داده است؟

درباره فضای مجازی و مسائل مربوط به آن می‌شود ساعت‌ها صحبت کرد که شاید از حوصله گفت‌وگوی ما خارج باشد. ولی من یکی دو نکته را خدمت شما عرض می‌کنم. ببینید، نظر مجلس یک بحث است و نظر یک یا چند نماینده بحث دیگری است. ما نباید نظر شخصی یک یا چند نماینده را که دارند یک طرحی را پیگیری می‌کنند به عنوان نظر مجلس تلقی کنیم. هزاران نسخه از این طرح‌ها در حوزه‌های مختلف در سامانه مجلس ثبت شده است. وقتی ارزیابی می‌کنیم از این هزاران طرح، در نهایت سه یا چهار درصد به انتهای کار و به صحن می‌رسد و می‌شود مصوبه مجلس. به همین دلیل نباید اظهار نظر یا پیشنهاد هر نماینده‌ای را که در رسانه مطرح می‌کنند موضع مجلس بدانیم و پیگیری کنیم. نظر مجلس آن قوانینی است که تصویب می‌کند. من خواهشم از شما و همه اصحاب رسانه این است که هیچ وقت در انعکاس اخبار این طرح‌ها را به عنوان نظر مجلس شورای اسلامی انعکاس ندهید.

اما حتی وقتی طرح در مجلس به نتیجه نمی‌رسد واضعانش از مسیرهای دیگری پیگیری می‌کنند...

توصیه‌ام این است که افکار عمومی را با انعکاس این مباحث که بیشتر از قاعده «اقتصاد توجه» استفاده می‌کنند؛ مشوش نکنیم. در شرایط جنگی تا جایی که می‌توانیم باید انسجام و آرامش را حفظ کنیم. یک موضوعی به صحن رسیده است، در آنجا که محل بحث جدی دارد می‌نشینیم و گفت‌وگو می‌کنیم. اگر ما در مرکز پژوهش‌های مجلس بخواهیم درباره همه طرح‌ها موضع رسانه‌ای بگیریم در واقعیت شاید خیلی کار درستی نباشد. باید صبر کنیم. در نهایت اگر طرحی از هفت خان مجلس عبور کرد، یعنی اگر طرحی ثبت و اعلام وصول شد، رفت به کمیسیون و از کمیسیون موفق بیرون آمد و در دستور کار و نوبت رسیدگی قرار گرفت، آن وقت با یکدیگر صحبت می‌کنیم. به هر حال این مشکلی است که من بارها به آن اشاره کرده‌ام؛ اینکه جامعه بی‌میانجی، جامعه بی‌دفاعی است. متأسفانه ما با برچسب‌زنی، افرادی را که می‌توانند بین گروه‌های مختلف میانجی باشند و به تعبیر در زمره فداییان آبرو قرار بگیرند از میدان خارج کرده‌ایم. حال آنکه ما در کنار جان‌فداها در شرایط فعلی به فداییان آبرو نیز نیاز داریم. افرادی که بیایند بین گروه‌های مختلف مردم و بین مردم و حاکمیت میانجی شوند. اگر این میانجی‌ها نباشند مردم صدای حاکمیت را از بدترین و تندترین تریبون‌ها می‌شنوند. این طور می‌شود که مثلاً یک نماینده اظهارنظر خیلی شاذی می‌کند و مردم فکر می‌کنند که موضع او، موضع حاکمیت است. حال آنکه این‌طور نیست و آن نماینده صرفاً نظر شخص خودش را درباره موضوعی مطرح کرده است. ولی چون میانجی‌ها برچسب خورده‌اند و در عمل حاشیه‌نشین شده‌اند و کمتر در جامعه میدانداری می‌کنند، جامعه حالت بی‌دفاع پیدا کرده است. از طرف دیگر در فقدان حضور این میانجی‌ها، حاکمیت هم ممکن است صدای مردم را در خشن‌ترین صورت خودش که همان اعتراض خیابانی و اغتشاش است، بشنود. اینها عوارض و آسیب‌های فقدان میانجی‌ها در جامعه است. اگر میانجی‌ها که میدانداران افکار عمومی هستند با انواع ترفندها، افترا و ناسزا و برچسب و... حاشیه‌نشین کنیم، این عرصه خشن می‌شود و آسیب‌هایی دارد.

به هر حال در همه موارد یک دستور کارها و نظراتی به نهادهای مختلف ارائه می‌شود. پیش از شروع گفت‌وگو هم اشاره کردید که مرکز پژوهش‌ها صرفاً به مجلس مشاوره نمی‌دهد؛ بلکه یک مسئولیت اجتماعی هم برای خودش تعریف کرده و به نهادهای دیگر هم مشورت می‌دهد. آیا ارزیابی پسینی دارید از اینکه این نظرات کارشناسی تا چه حد به دستور کار و روند اجرایی تبدیل می‌شوند؟

وقتی شرایط کشور، شرایط جنگی است و رهبر معظم انقلاب هم تأکید می‌کنند که در این شرایط حساس تاریخی باید با انسجام ملی همه برای اعتلای ایران تلاش کنیم؛ دیگر این نگاه که ما مجلسیم و شما دولتی یا ما اصولگراییم و شما اصلاح‌طلبید باید کنار گذاشته شود. همه باید با اهتمام ملی در راستای منافع ملی و اعتلای ایران تلاش کنیم. مرکز پژوهش‌ها قبلاً هم با نهادهای مختلفی همکاری داشت و نظرات و پیشنهاداتی را ارسال می‌کرد؛ ولی ما در ایام جنگ این همکاری را دوچندان کردیم تا بتوانیم در این شرایط بحرانی همفکری و هم‌افزایی کنیم و پیش برویم. بنابراین ما سعی می‌کنیم در هر چهار میدان مهمی که الان در کشور فعال هستند تا جایی که می‌توانیم کمک کنیم. من خواهشم این است که رسانه‌ها هم، همین نگاه را داشته باشند و کمک کنند. ما یک میدان خدمت داریم که دولت و مجلس است و اینها دارند تلاش می‌کنند تا در شرایط محاصره اقتصادی و تحریم، مشکلات معیشتی را رفع و کالاهای اساسی و نظایر اینها را تأمین کنند. انصافاً دولت و مجلس حداکثر تلاش‌شان را می‌کنند. به همین دلیل با گذشت شش ماه از جنگ هیچ گونه کمبود کالایی جدی در کشور وجود ندارد. کمبود دارویی خیلی بزرگ و خاصی نداریم. این است که واقعاً باید قدردان دولت باشیم. این درست که به خاطر محاصره و تحریم و... شاهد نرخ تورم بالایی در کشور هستیم ولی کمبود کالا رخ نداده است و دولت به اشکال مختلف سعی کرده بر مشکلات غلبه کند. بنابراین ما باید قدردان دولت باشیم. رسانه‌ها هم خوب است این نقاط مثبت را ببینند. اعتقاد دارم ما چون در داخل این صحنه هستیم هنوز بزرگی کاری که ملت ایران در این شش ماه انجام داده‌اند خوب درک نمی‌کنیم. وقتی چند سال بگذرد و ما برگردیم تا به این حادثه تاریخی نگاه کنیم، آن وقت مشخص می‌شود که عظمت این ملت، تلاش این دولت و تلاش و از خود گذشتگی نیروهای نظامی ما تا چه حد مثال‌زدنی و بی‌نظیر بود. رسانه‌های ما در روایت پردازی این حماسه همه جانبه، باید جدا از رفتارهای سخیف سیاسی-جناحی وارد شوند. این یک امر ملی و دفاع میهنی افتخارآمیز در مقابل دشمنی است که بزرگترین، مجهزترین و البته جنایتکارترین ارتش دنیا را دارد. ما در مقابل آمریکا و رژیم اسرائیل ایستادیم و در یک جنگ نامتقارن این اراده ملت ایران بود که بر کرسی نشست. رسانه‌های ما باید این را روایت کنند. نه اینکه در این شرایط دولت را تخریب کنیم. دولت دارد تلاش خود را در حد بضاعت، امکانات و شرایطی که وجود دارد، انجام می‌دهد. باید تشکر کنیم از مردم پرشور انقلابی که در میدان‌ها تجلی ایستادگی ملی را نشان می‌دهند. البته من اعتقاد دارم ایستادگی ملی از آن همه ملت ایران بوده است. ولی این عزیزانی که در این ۲۰۰ شب این سختی را بر خودشان تحمیل کردند و در میادین شهر ایستادند؛ کارشان قابل تقدیر است. ما باید اینها را ببینیم و خدای نکرده با برچسب‌هایی، این حرکت مردمی را تخطئه نکنیم. نیروهای نظامی که جلوی دشمن توانستند در یک جنگ نامتقارن بایستند و با ایثار و ازخودگذشتگی افتخارآفرینی کنند و همین طور تیم مذاکره کننده و دیپلماسی ما شایسته تقدیرند. ما در مرکز پژوهش‌ها این معاهده اسلام‌آباد را با جمعی از اساتید بین‌الملل به بحث گذاشتیم، تعداد قابل توجهی بودند که کلی هم بحث کردند و همه می‌گفتند این متن، یک متن بسیار قوی و عالی است و منافع ایران در آن به نحو کاملاً مشهودی تأمین شده است. حتی بعضی از اساتید این تعبیر را داشتند که کسی اگر فقط متن را بخواند فکر می‌کند ایران به پشت دروازه‌های واشنگتن رسیده است و آنها در حالی که واشنگتن در آستانه تسخیر بوده مجبور شده‌اند این معاهده را امضا کنند. حالا البته همه‌مان می‌دانیم که دشمن و طرف مقابل ما طرف بدعهدی است و به توافقاتش وفادار نبوده است. اما مطمئناً تیم مذاکره کننده ما با اشراف به این بدعهدی و با تردیدی رفتند و این مذاکره را انجام دادند. مذاکره در حکمرانی از قواعدی تبعیت می‌کند. شما یک طرف مقابلی داری که تمام برنامه‌ریزی‌اش این است که کارها و برنامه‌های شما را بر هم بزند. یک جا در حکمرانی یک کاری از قاعده برنامه‌ریزی تبعیت می‌کند و هیچ مانع و دشمنی وجود ندارد، آنجا شما به اندازه توان مدیریتی خودتان پروژه را پیش می‌بری. اما مذاکره این طور نیست و از قواعد و برنامه تبعیت نمی‌کند. مذاکره از قواعد بازی تبعیت می‌کند. در حکمرانی وقتی طرف مقابل دارد بازی و تدبیر تو را بر هم می‌زند بالاخره وارد این تعامل می‌شوی و جاهایی که توانایی داری خواسته‌های خودت را جلو می‌بری و یک جاهایی خواسته‌های طرف مقابل جلو می‌رود. بالاخره ما باید بپذیریم تیم مذاکره کننده و دیپلماسی ما فرزندان این سرزمین هستند، آنها هم مانند ما دغدغه ایران را دارند و در حد بضاعت، توان و فرصت‌هایی که برایشان وجود دارد سعی می‌کنند منافع ملی را به نحو حداکثری پیگیری کنند. این است که ما باید به دستاوردهای نسبی که در هر حوزه به دست می‌آوریم، توجه کنیم و از آن روایت پیروزی بگوییم. این نگاه در برخی رسانه‌ها، نگاه مسمومی است که همدیگر را تخطئه می‌کنند. این واقعاً در شرایط جنگی بزرگترین خیانت و سم برای ایران است و هر کسی که واقعاً دلسوز است و دل در گرو اعتلای ایران دارد باید این دستاوردها و موفقیت‌هایی که ما در حوزه‌های مختلف خدمت و خیابان و مذاکره و نظامی به دست می‌آوریم روایت کند. این رسالت تاریخی همه ماست.

در صحبت‌تان به میدان خیابان اشاره کردید. یک اتفاق واقعاً کم‌نظیری که در ایران بلافاصله بعد از آغاز جنگ انجام شد. جنگ در نهم اسفند شروع شد و ما از همان شب تا امروز تجمعات مردم در میادین را شاهد بودیم. هفته‌های اول حضور در این میدان تنوع بی‌نظیری از اقشار مختلف مردم با دیدگاه‌های مختلف را شاهد بودیم. در بعضی تجمعات شاهد هستیم راجع به همین تفاهمنامه و علیه تعدادی از مقامات شعار داده می‌شود. اگر بخواهید بگویید که چطور می‌شود این میدان را با همان قاعده‌ای که در هفته‌های اول شاهد بودیم حفظ کنیم چه باید بکنیم، چه نکاتی را مدنظر دارید؟

بحث میدان و خیابان که از اولین روز این جنگ شکل گرفته و مردم مبعوث احساس خطری کردند نسبت به ایران و انقلاب و انصافاً در یک حرکت خودجوش مردمی از همان روزهای اول جنگ که بحران خیلی شدید بود به خیابان آمدند. ترامپ و اسرائیل کاملاً برنامه‌ریزی کرده بودند که همزمان با حمله نظامی، اغتشاش داخلی و جنگ داخلی هم راه بیندازند و ایران را وادار به تسلیم و تجزیه کنند. مردم این رسالت تاریخی خودشان را درست تشخیص دادند و در خیابان به صورت خودجوش از کیان این سرزمین و ایران دفاع کردند. انصافاً هم این ایستادگی ملی، از آنِ همه فرزندان این سرزمین و همه مردم ایران است. واقعیت این است که مادر ما ایران که زخم خورده خصم است در این جنگ به همه فرزندانش احتیاج دارد؛ چه آن فرزندی که رفته و چه آن که مانده، چه کسی که دلخور است و چه اویی که امیدوار است. وقتی شرایط جنگی داریم باید همه با هم در کنار هم از کیان این سرزمین دفاع کنیم. همه ما هم حضور پیدا می‌کردیم و می‌دیدیم که همه گروه‌های مختلف با گرایش‌های مختلف دارند از ایران و وحدت و انسجام حمایت می‌کنند. این سرمایه بزرگی ست که با گذشت بیش از ۲۰۰ روز شاید مردم همچنان در میدان حضور دارند. بالاخره برخی وقت‌ها باید حواسمان باشد. شعارهای ما در این میدان و تمرکز آن شعارها و حرکتی که صورت می‌گیرد باید به سمت آمریکا و اسرائیل باشد، زیرا اگر حواسمان نباشد جای اینکه بعثت مردم در مقابل آمریکا و اسرائیل باشد نوک پیکان از سمت آمریکا و اسرائیل به بهانه‌ها و علل مختلف و با تحلیل‌های نادرست به سمت خودی‌ها و مسئولان کشور که برای اداره و پیشبرد امور کشور در این شرایط تلاش می‌کنند، تغییر جهت می‌دهد. این درست نیست و ممکن است انسجام ملی را کم‌رنگ کند. ما باید تلاش کنیم این جهت‌گیری‌ها همچنان که در ابتدا رو به سوی دشمنان بوده همچنان محکم و پرتوان رو به سوی دشمن باشد. بحث دیگری که وجود دارد، این است که شاید کسانی که آن روزها ایران را در وضعیت خطیری می‌دیدند و به میدان می‌آمدند حالا گرایش‌شان به حضور کمتر شده چون احساس می‌کنند ایران تحت خطر کمتری قرار دارد. توصیه‌ام به این عزیزان این است که ما همچنان به خیابان نیاز داریم؛ ما به ایستادگی ملی و بروز و ظهور و جلوه آن نیاز داریم. چون اتفاقاً بعد از جنگ رمضان آمریکا و اسرائیل به این نتیجه رسیدند که با نیروی نظامی نمی‌توانند خواسته‌های خودشان را که تسلیم و تجزیه ایران است جلو ببرند. بنابراین یک تغییر استراتژی داده‌اند و روی دامن زدن به نارضایتی و ایجاد اغتشاش و اختلاف داخلی و به هم ریختن ایران از داخل تمرکز کرده‌اند. اتفاقاً از آنجا که استراتژی دشمن از نظامی‌گری به ایجاد اغتشاش و به هم ریختن وحدت داخلی تغییر کرده، اهمیت خیابان کمتر از روزهای اول نیست. اینکه ما همه منسجم در این میدان حضور داشته باشیم و حواسمان باشد که شعارهایی را مطرح نکنیم که بخشی از مردم از این حرکت جدا شوند. شعارها باید ملی و در راستای منافع ملی و رو به سوی آمریکا و اسرائیل باشد. باید همه در کنار هم این میدان را نگه داریم. دقت کنیم، ما تحت جنگ شناختی و ترکیبی هستیم. دشمن در چنین جنگی وقتی موفق است که حرف خودش را از زبان ایرانیان بشنود. همه طیف‌ها و همه گرایش‌های مختلف سیاسی باید اگر واقعاً علاقه‌مند ایرانند و نمی‌خواهند دشمن در این جنگ ترکیبی موفق شود باید حواسشان باشد که خواسته یا ناخواسته بلندگوی حرف‌هایی نباشند که دشمن در جنگ شناختی دوست دارد از زبان مردم ایران گفته شود.

بزرگ‌ترین فاصله‌ای که امروز میان «آنچه پژوهش‌ها درباره تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام ملی می‌گویند» و «آنچه در فرآیند واقعی تصمیم‌گیری سه قوه اتفاق می‌افتد» وجود دارد، چیست یا کجاست؟ و اگر قرار باشد فقط سه اقدام فوری برای کاهش این فاصله پیشنهاد کنید، این سه اقدام چه خواهد بود؟

آنچه می‌تواند ما را از دست آمریکا و اسرائیل نجات بدهد افزایش توان بازدارندگی ماست. من سه عرصه را در این حوزه مهم می‌بینم. در شرایط فعلی توصیه‌ام این است که مسئولان روی اینها تمرکز ویژه داشته باشند؛ اول، عرصه بین‌الملل و منطقه است. دشمن دارد تمام تلاشش را می‌کند که ما را در معمای تاسمانی گیر بیندازد و ما را به یک کشور منزوی تبدیل کند و از زنجیره‌های ارزش اقتصادی که در قالب کریدورهای منطقه‌ای و بین‌المللی وجود دارد حذف کند. دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی ما باید الان نهایت تلاش را بکند تا ابتکارات و تعاملات دیپلماتیکی را با کل کشورهای منطقه و کشورهای حاشیه خلیج فارس داشته باشد. رهبر معظم انقلاب تعبیری در یکی از پیام‌ها داشتند که «معماری نظم نوین حوزه خلیج فارس باید با محوریت خود کشورهای منطقه و با یک رویکرد بومی طراحی شود و پیش برود» این کار وزارت امور خارجه و حوزه دیپلماسی اقتصادی ماست که باید در این شرایط فعال شود و ابتکارات و اقدام‌هایی را با این کشورها پیش ببرد و اجازه ندهد که ما در فضای بین‌المللی منزوی شویم. دومین توصیه‌ای که به مسئولان دارم انجام جراحی‌های اقتصادی در حوزه‌های مختلفی است که کشور مشکلاتی دارد. البته این جراحی‌ها باید با ملاحظه پیوست‌های اجتماعی باشد و نه صرفاً براساس حساب و کتاب‌های عددی. این پیوست‌های اجتماعی باید مبتنی بر افکارسنجی از مردم باشد. نتیجه این جراحی‌های اقتصادی هم باید خروج از این وضعیت و بهبود مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم باشد و تیم اقتصادی دولت و مجلس باید متمرکز شوند. توصیه سوم هم این است که بحث انسجام ملی و اجتماعی را جدی بگیرند. همچنان که رهبر معظم انقلاب فرمودند به هیچ بهانه‌ای اقدامی صورت نگیرد که به انسجام ملی و اجتماعی مردم ایران آسیب بزند. به این ترتیب سه بازدارندگی برای ما ایجاد می‌شود؛ بازدارندگی اجتماعی، بازدارندگی در بازار و بازدارندگی بین‌المللی و منطقه‌ای. ما اگه بتوانیم قدرت ملی کشور را با این سه دسته اقدام ارتقا بدهیم پیروزی بر دشمن امکان‌پذیر خواهد بود. همچنان که بارقه‌هایی از آن هم دیده می‌شود.

> زیبنده جمهوری اسلامی ایران نیست که عده قلیلی در کشور سعی کنند با انواع برچسب‌زنی‌ها، مسئولان و افرادی را آماج انواع اتهام‌ها قرار دهند که دارای سرمایه اجتماعی هستند و می‌توانند نقطه وصل جریان‌های مختلف باشند و نقش میاندار را بازی کنند و به خواست وحدت و انسجام ملی جامه عمل بپوشانند

> مادر ما ایران که زخم خورده خصم است در این جنگ به همه فرزندانش احتیاج دارد؛ چه آن فرزندی که رفته و چه آن که مانده، چه کسی که دلخور است و چه اویی که امیدوار است

برش

- **برای همه ما باید ایران موضوع مشترک باشد؛ حالا به تعبیر قائم مقام فراهانی چه با نام، چه با ننگ. باید تمرکز مشترک همه ملت ایران حفظ ایران، تلاش برای جلوگیری از تجزیه ایران و پیشبرد آرمان‌ها و رویای مشترک اعتلای ایران باشد.**
- **برچسب‌زنی، تهمت، افترا و ناسزا یک خط تولید پیدا کرده و تبدیل به یک صنعت شده است. کارگران شیفت شبی دارد که در انواع کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی به اشکال مختلف افرادی را تحت توهین و افترا قرار می‌دهند و فضا را آلوده می‌کنند؛ حال آنکه این افراد مورد تهمت و توهین می‌توانند به انسجام ملی کمک کنند و نقش‌آفرین ملی باشند.**
- **اگر میانجی‌ها نباشند مردم صدای حاکمیت را از بدترین و تندترین تریبون‌ها می‌شنوند. ما نباید اجازه بدهیم این صداهای اقلیت با استفاده از «اقتصاد توجه» سرنوشت یک سرزمین و یک ملت را به بازیچه بگیرند.**

با این رمزینه
متن کامل گفت‌وگو را بخوانید.